

یادگارهای بقعه شمس‌الدین در شیراز

ایرج افشار

سید شمس‌الدین به تاسی پدر در محله خارج از شهر آن روزگار یزد به ایجاد مدرسه و بازار و حمام و مسجدها و خانقاهی پرداخت که اکنون بنای اصلی و به اصطلاح قدیم گنبد آن باقی مانده است و همانجاست که مقبره اوست .

این بنا از حیث تزئینات یکی از شاهکارهای هنر معماری یزدست و نقشه آن را سید شمس‌الدین در تبریز طرح می‌کند و به یزد می‌فرستد و خود همین موضوع نکته‌ای است بدیع در تاریخ معماری ایران که نظیر آن را در کتب دیگر ندیده‌ام^۱.
بهر حال حکایت از آن دارد که معماران ایرانی طرح ساختمانها را بر روی کاغذ می‌آورده‌اند و سپس بر روی زمین رنگ می‌ریخته‌اند و پی می‌کنده‌اند .

تزئینات باقی مانده این بنا عبارت است : کتیبه گچ‌بری به خط جلی بسیار زیبا در پیش درگاه ورودی ، کاشیکاریهای معرق در همین پیش درگاه ، طرحها و گل‌اندازها و رسمهای هندسی و ترنجها و شمشه‌ها و حاشیه‌ها به رنگ و روغن در داخل صحن زیر گنبد (که متأسفانه موریانه^۲ صدمه بسیار شدید به آنها وارد کرده است و به دشواری می‌توان روزگاری این آثار را مرمت کرد) .

از تزئینات دیگر این بنا دوره سنگ مرمر محراب آن

یکی از بناهای تاریخی بسیار مهم و زیبا و پر بادگار شهر یزد باقیمانده یک مجموعه بناست که در محله چهارمنار یزد قرار دارد و به صورت زیارتگاهی نیمه ویران گاه به گاه محل عبادت پیرزنان محله و به ندرت مورد بازدید علاقه‌مندان به آثار تاریخی و مسافران خارجی واقع می‌شود .

این بنا ، تاریخی دراز و قصه‌ای شنیدنی دارد .
بانی آن سید شمس‌الدین فرزند سید رکن‌الدین است . پدر ، از سادات محترم شهر و بانی مدرسه و دستگاه علمی و نجومی وقت و ساعت در یزد بود و اوقاف و خیرات بسیار از خود به جای گذاشت که شرح و تفصیل آن در کتاب مفصل و قفنامه به نام جامع‌الخیرات (چاپ تهران ، ۱۳۴۱) مضبوط و حیرت‌آور است . اعتبار مدرسه رکنیه به مرور ایام از میان می‌رود و رونق علمی آن می‌شکند و چون خود سید رکن‌الدین را پس از وفات (سال ۷۳۲) زیر گنبد اصلی مدرسه دفن می‌کنند در قرون بعد مدرسه به مزار تبدیل می‌شود . اکنون منحصراً زیارتگاهی است از زیارتگاههای مشهور و محترم شهر یزد .

سید رکن‌الدین در قضیه قتل تاجری نصاری که در یزد اتفاق می‌افتد مورد غضب و اتهام سلطان یزد واقع می‌شود و به زندان می‌افتد . فرزندش سید شمس‌الدین برای خلاصی پدر راه تبریز را پیش می‌گیرد تا به دستور شاه پروانه آزادی پدر را اخذ کند .

سید شمس‌الدین یکی از دختران خواجه رشیدالدین فضل‌الله طیب همدانی وزیر مشهور عمر مغول را در عقد زوجیت خود در آورد و دستور آزادی پدر را نیز گرفت . اما در تبریز درگذشت . پس از وفات جسدش را به یزد فرستادند و زیر گنبد مدرسه‌ای که خود بنا کرده بود در خاک گذاشته شد^۳.

۱ - برای تفصیل این مطالب به تواریخ سه‌گانه یزد (تاریخ یزد تألیف جعفری ، تاریخ جدید یزد تألیف کاتب و جامع مفیدی تألیف مفیدی مراجعه شود . هر سه را من به چاپ رسانیده‌ام) .

۲ - در تاریخ بیهقی هم در مورد طرز اجرای ساختمان اشاره‌ای شده بدین صورت : « و به شایبور شادیاخ را درگاه و میدان نبوده ، هم او کشید به خط خویش . . . » (ص ۱۴۹ ، چاپ غنی / فیاض) .

۳ - به موریانه در یزد « ترده » Tardeh می‌گویند .



گچکاری بقعه شمشیه .



نقاشی بدنه بقعه شمشیه .

پرتال جامع علوم انسانی
پایگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به کار برند و بنحوی که به سنگ و یادگارها صدمه نزنند آنها را محفوظ کنند که بر اثر دست زدن اشخاص و مرور ایام محو نشود. البته مقداری هم از یادگارها به علت سائیدگی و کمرنگی ناخواناست و قابل خواندن نیست . متن یادگارهای مهمتر را اینک درینجا نقل می‌کنم :

● باری ز شراب شوق يك جامم نیست
در بخش

است که زن سید شمس‌الدین آن را در تبریز دستور فرمودند تا تراشیدند و به یزد فرستاد . روی این دوره سنگ آیات ۱۷ - ۲۰ سوره آل عمران را نقر کرده‌اند .

بر روی قسمتهای دسترس این سنگهای مرمر که در دو طرف محراب است در طی قرون مقداری یادگار به خط اشخاص مختلف به مرکب نوشته شده است که خود آثاری با ارزش است و مؤسسات مسؤل باید در نگاهبانی آنها دلسوزی و مراقبت



کتابتیه مرمر محراب .



یادگاری دیگر از خطوط بردیوار محراب .



خطوط یادگاری بردیوار محراب .

خط نورالدین کجویی .

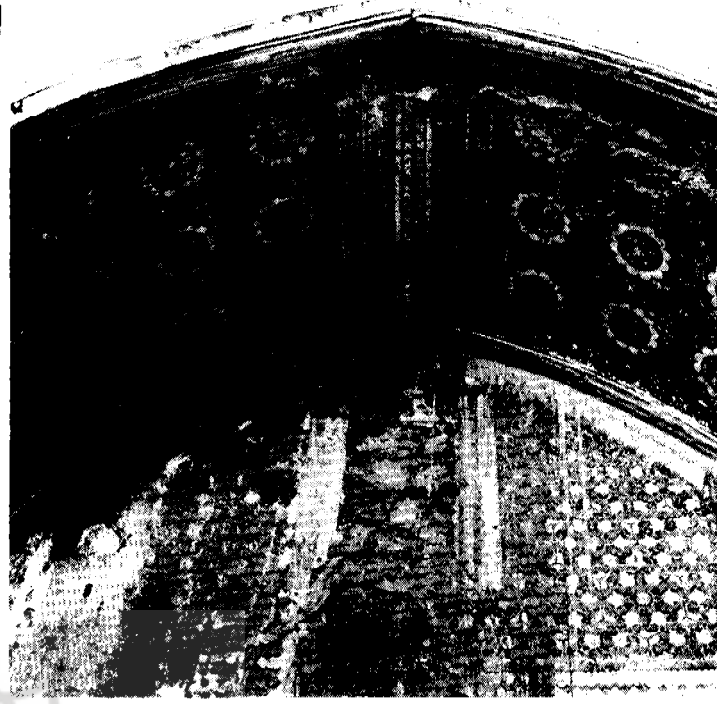


خطی قدیم برکنار محراب .





یادگاری بردیوار محراب .



طاقمهای داخلی با نقاشی .

هر چند گناه کارم ای بار خدای
کن به احمد جامم بخش

تحریراً فی آخر ربیع الثانی لسنة ثمان عشر و ثمانمائه
به وقت آمدن از طریق فارس شیراز به عزیمت خراسان وطن
خود . . . محمد بن صفی الدین عمر الجامی .

● لکاتبه

الذین سمنانی همراه احمد بن محمد بن شیرازی گیوه فروش
تحریراً فی سبع سنین ثمانمائه .

شاید این دوبیت حافظ قدیمترین صورت موجود از اشعار
او بردیوار باشد . پس یادگاری است بسیار ارزنده و شایسته
توجه و نگاهبانی .

● از وصل خوشا کسی که سرمست بود . . .
● هو . این چند کلمه در روز عید اضحی در خدمت حضرت
رفعت پناه محمدرضا بیگانه سمنانی قلمی گشت تحریراً فی شهر
ذی حجة الحرام سنة ۱۰۶۰ ، حرره نورالدین محمد کجوبی .

- ۴ - شیخ احمد جام ژنده پیل مرادست .
- ۵ - این شخص از خوشنویسان نستعلیق عصر خود در یزد بود و دو
کتابه او هنوز بر سر آب انبارهای یزد باقی است . خط او در یکی از نسخ
خطی کتابخانه ملی ملک (تهران) نیز موجود است و در جامع مفیدی
ذکر احوالش را می توان دید .
- ۶ - دوبیت از حافظ است .
- ۷ - بندر عباس .

● خیز در کاسه زر آب تریناک (کذا) انداز
پیشتر زانکه شود کاسه سر خاک انداز
عاقبت منزل ما وادی خاموشان است
حالی غلغله در کنند (کذا) افلاک انداز
از جرون^۲ بطرف دارالعباده یزد آمذیم روزی با جماعه
همراه بودیم یادگار نوشته شد حرره زین الدین (ظ) بن . . .